

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Vanguard Woman

زن پیشواز

گردآوری و برگردان از: نادر ثانی
۱۱ مارچ ۲۰۱۶

"کلارا زتکین"، مبارزی آگاه و خستگی ناپذیر !

کم و بیش تمامی عناصر و نیروهای آگاه، مبارز و انقلابی می‌دانند که روز ۸ مارچ در سال ۱۹۱۰ با پیشنهاد کلارا زتکین کمونیست انقلابی المانی به عنوان "روز جهانی زن" انتخاب و اعلام شد اما برآستی درباره خود او و فعالیت‌های او چه می‌دانیم؟

کلارا ژوزفین ایسنر (Clara Josephine Eissner) در پنجم جولای ۱۸۵۷ (۱۴ تیرماه [سرطان] ۱۲۳۶) در روستای ویدراو (Wiederau) در جنوب شهر لایپزیش (Leipzig) در ایالت ساکسن (Sachsen) آلمان به دنیا آمد. پدرش آموزگاری بود که در روستا درس می‌داد و مادرش زن روشنفکری بود که در جریان‌ات مدافع حقوق زنان و کارگران فعالیت می‌کرد. در این شرایط رشد اجتماعی بود که کلارا از همان دوران کودکی با شرایط نابهنجار زندگی بی چیزان آشنا شد.

در اوایل دهه ۱۸۷۰ خانواده کلارا برای این که برای او و خواهران و برادرانش امکان ادامه تحصیل را فراهم کنند به شهر لایپزیش نقل مکان کردند. در این جا بود که کلارا توانست در مدرسه تعلیم آموزگاران زن که تحت رهبری آگوست اشمیت (Auguste Schmidt)، یکی از فعالان لیبرال مدافع حقوق زنان فعالیت می‌کرد به تحصیل پرداخته و با اخذ بالاترین نمرات از آن فارغ‌التحصیل شود. در همین دوران بود که کلارا فعالیت‌های گسترده سیاسی و اجتماعی خود را آغاز نمود. بخش عمده فعالیت‌های او در گروهی از دانشجویان رادیکال بود که برای دستیابی به جامعه‌ای عادلانه و برابر فعالیت می‌کردند. در خلال همین مبارزات بود که با انقلابی که ریشه در اوکراین و روسیه داشت، جوانی به نام اوسپ زتکین (Ossip Zetkin)، فردی که مرد زندگی او شد، آشنا گردید. در سال ۱۸۷۸ کلارا رسماً به عضویت حزب سوسیالیستی کارگران (Sozialistische Arbeiterpartei) در آمد.

سال بعد دولت بیسمارک قانونی را به تصویب رسانید که به موجب آن اجتماعاتی که هدف شان پخش و اشاعه نظرات سوسیالیستی بود، ممنوع اعلام گردید. هم زمان و با استفاده از این قانون ارتجاعی برخی از سندیکاها ممنوع اعلام شده و صدها روزنامه و نشریه توقیف شدند. در یورش پلیسی که با بهره‌گیری از این قانون به یکی از گردهم‌آیی‌های کارگری شد، اوسپ زتکین دستگیر شده و از کشور اخراج گردید.

پس از گذشت مدتی کلارا خود را ناچار دید تا کشور را ترک کند. نخست مدتی را در سویس گذراند. سپس به اتریش رفته و با پرستاری از بچه‌ها امرار معاش کرد. پس از چندی خود را به پاریس، شهری که اوسپ در آن جا زندگی

می‌کرد، رسانید و با او "هم‌خانه" شد. در این جا بود که **کلارا** نام فامیل **اوسپ** را بر خود گذاشت اما از آن جا که می‌دانست ازدواج با او می‌تواند به بهای سلب تابعیت المانی او گردد از این امر خودداری کرد. پس از مدتی دو فرزند **کلارا** و **اوسپ**، **ماکسیم (Maxim)** و **کوستیا (Kostja)** به دنیا آمدند اما فعالیت های این دو مبارز بدون وقفه ادامه داشت. آن ها در مجامع سوسیالیستی شرکت کرده و از جمله با افرادی فعالیت می‌کردند که در کمون پاریس که در سال ۱۸۷۱ رخ داد، شرکت داشته و تجارب بسیاری از آن دوران انقلابی با خود داشتند.

در این دوران اوضاع اقتصادی خانواده **زتکین** بسیار بد بود؛ آن چه بود درآمد بخور و نمیری بود که با کارهای خبرنگاری پراکنده و ترجمه‌هایی چند در این جا و آن جا به دست می‌آوردند و بدون شک اگر کمک مالی رفقاییشان نبود، نمی‌توانستند جان سالم از مهلکه به در ببرند. در همین دوران بود که **اوسپ** گرفتار بیماری سل شد و در سال ۱۸۸۹ درگذشت.

در همان سال **کلارا** از جمله پیشتازان سازمان دادن کنگره دوم بین‌الملل در پاریس شد. در جریان این کنگره **کلارا** با حرکت از تئوری های فردریش انگلس (**Friedrich Engels**) و آگوست بیل (**August Bebel**) سخنرانی گسترده‌ای در مورد فعالیت زنان کارگر در جنبش سوسیالیستی و امکانات بسیاری که این فعالیت ها ارائه می‌داشتند، ایراد نمود. این سخنرانی پس از چندی تحت عنوان "پرسش های جاری در مورد زنان کارگر و زنان" به چاپ رسید. در این سخنرانی **کلارا** در مقام اعتراض به بسیاری از هم‌حزبی هایش که معتقد بودند ورود زنان به بازار کار موجب افزایش تعداد کارگران گشته و از این‌رو منجر به کاهش درآمد کارگران شده و از این امر نتیجه می‌گرفتند که بنابراین زنان باید در خانه مانده و به امور خانه بپردازند ، خطابه‌ای اعتراضی ایراد کرده و در دفاع از کار زنان در کارخانه‌ها و دیگر اماکن کار برآمد. در خلال این سخنان **کلارا** از جمله چنین گفت:

"آنانی که آزادی انسانیت را بر پرچم خود حک کرده‌اند نمی‌باید نیمی از بشریت را به بردگی اجتماعی و سیاسی محکوم نمایند. به همان گونه که مرد تحت فشار سرمایه‌دار قرار دارد زن تحت فشار مرد است؛ و او اگر وابسته اقتصادی باقی بماند در آینده نیز تحت فشار خواهد بود کار، پایه اساسی استقلال اقتصادی زن است."

در سال ۱۸۹۰ و پس از لغو قوانین ممنوعیت فعالیت های سوسیالیستی **کلارا** با دو پسر خود به المان بازگشته و در شهر اشتوتگارت (**Stuttgart**) اقامت گزید. پس از مدت کوتاهی به سردبیری نشریه زنان حزب سوسیال دمکرات المان، "برابری" (**Die Gleichheit**) برگزیده شده و فعالیت ۲۵ ساله خود در این نشریه را آغاز نمود. **کلارا** در بسیاری از نوشته‌های خود در این نشریه به مسائلی چون حقوق برابر، حق رأی عمومی برای زنان، کسب حق طلاق برای زنان، دایر کردن کودکان های دولتی و آزادی سقط جنین می‌پرداخت.

نقطه حرکت **کلارا زتکین** در تمامی نوشته‌هایش آن بود که مبارزه برای رسیدن به سوسیالیسم و مبارزه برای دستیابی زنان به حقوق برابر ، دو بخش جدائی‌ناپذیر از مبارزه‌ای آگاهانه و انقلابی بوده و آزادی زنان در گرو رسیدن به سوسیالیسم می‌باشد. او ایمان داشت که رسیدن زنان به برابری و آزادی تنها با رسیدن جامعه به سوسیالیسم امکان‌پذیر است. او از جمله نوشته بود:

"تنها جامعه سوسیالیستی می‌تواند نابرابری را که امروز با مدد کار زنان در خارج از خانه عریان شده است از میان بردارد. زمانی که خانواده به مثابه یک واحد اقتصادی از میان رفته و خانواده به مثابه یک واحد اخلاقی به میان بیاید، زن به عنوان فردی برابر با مرد و هم چون او خلاق و در مبارزه‌ای مشترک با او به عنوان یک فرد رشد خواهد نمود."

در سال ۱۸۹۱ حزب سوسیال‌دمکرات المان تحت فشار و فعالیت برخی از عناصر رادیکال و بیش از همه **کلارا زتکین**، نخستین حزبی شد که خواسته حق رأی همگانی برای مردان و زنان را وارد برنامه حزبی نمود. پنج سال بعد **کلارا زتکین** به عضویت کمیته مرکزی حزب سوسیال‌دمکرات المان برگزیده شد.

کلارا زتکین در سال ۱۸۹۷ با **فردریش زوندل** (Friedrich Zondel) هنرمندی که ۱۸ سال از او جوان تر بود ازدواج کرده و به این گونه سدشکن یکی از رسومات جاری در جامعه گردید.

کلارا زتکین در این سال ها و تا پایان دوران حیاتش در سازمان های بین‌المللی سوسیالیستی و کمونیستی فعالیت گسترده‌ای داشت. زتکین "انترناسیونالیستی" واقعی بود و در خلال ۴۰ سال به عنوان برجسته‌ترین زن فعال در مبارزات تھی دستان به شمار می‌آمد. در سال ۱۹۰۷ او با تلاش فراوان موفق شد تا کنگره بین‌المللی سوسیالیستی را که در اشتوتگارت برگزار شده بود، به آن جا بکشاند که تمامی احزاب کارگری جهان خود را ملزم نمایند که برای رسیدن زنان به حق رأی تلاش نمایند. در خلال همین کنگره بود که **کلارا زتکین** و **ولادیمیر ایلیچ لنین** (Vladimir Illich Lenin) با هم آشنا شده و تا پایان عمر دو دوست خوب برای یکدیگر باقی ماندند.

در سال ۱۹۱۰ **کلارا زتکین** به مقام رهبری سازمان زنان بین‌الملل سوسیالیستی انتخاب شد. در کنگره دوم بین‌الملل سوسیالیستی در کپنهاک ، **زتکین** پیشنهاد برگزیدن روزی در سال به عنوان روز جهانی زن را تقدیم کنگره کرد. پیشنهاد **زتکین** پایه اساسی برگزیده شدن روزی به عنوان روز جهانی زن شد که از سال ۱۹۲۱ ، روز ۸ مارچ به عنوان روز جهانی زن اعلام شده است.

کلارا زتکین به همراه افرادی چون روزا لوکزامبورگ ([Rosa Luxemburg](#)) در جناح چپ حزب سوسیال‌دمکرات المان فعالیت می‌کرد. افراد این جناح در سال ۱۹۰۰ به مخالفت با فعالیت های بخش اصلاح‌طلب حزب به رهبری ادوارد برنشتاین ([Eduard Bernstein](#)) پرداختند. اختلاف این دو جناح با آغاز جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴ و جهت‌گیری های متفاوت این دو جناح عمیق‌تر گردید. **کلارا زتکین** و همفکرانش هم مخالف قبول رسمیت بخشیدن به اوراق قرضه‌ای که دولت حاکم تصمیم گرفته بود برای گردآوری امکانات مالی برای آمادگی جنگی به جریان بیندازد بوده و هم مخالف درگیری المان در جنگ بودند؛ در حالی که جناح راست حزب از چاپ و پخش اوراق قرضه حمایت کرده و از شرکت المان در جنگ حمایت می‌کرد. از این رو بود که جناح چپ که دیگر نمی‌توانست تاب قبول سیاست های راست حزب را بیاورد "حزب غیر وابسته سوسیال دمکرات المان" (Unabhängige Sozialdemokratische Partei Deutschlands) را پایه‌ریزی نمود. این جدائی باعث آن شد که **کلارا زتکین** کار خود در نشریه "برابری" را از دست بدهد.

کلارا زتکین در خلال جنگ جهانی اول فعالیت بسیاری در مبارزه با نظامی‌گرایی و سرمایه‌داری جهانی (امپریالیسم)، نیروهائی که او معتقد بود دلیل اساسی به راه افتادن جنگ بوده‌اند، داشت. در اعتراضات، راهپیمائی‌ها و کنفرانس‌های مترقی شرکت می‌کرد و در همه‌جا با سخنان و نوشته‌های خود فعالانه در راه پایان دادن به جنگ و رسیدن به صلح کار عملی می‌کرد.

پس از چندی **کلارا زتکین** به جریان رادیکالی که افرادی انقلابی چون روزا لوکزامبورگ و "کارل لیبکنخت" ([Karl Liebknecht](#)) پایه‌گذاری کرده بودند و "اتحادیه اسپارتاکوس" (Spartakusbund) خوانده می‌شد پیوست. اتحادیه اسپارتاکوس در واقع گردهم‌آورنده افراد جناح چپ حزب غیر وابسته سوسیال دمکرات المان بود. در سال ۱۹۱۸ این جریان گام دیگری برداشته و مبدل به یک سازمان مستقل انقلابی شد که پس از اعلام آتش‌بس و شکست المان در جنگ جهانی اول در نومبر سال ۱۹۱۸ تلاش کرد که قدرت را در این کشور کسب نموده و جمهوری شورائی

کارگری کمونیستی را در آن جا به وجود آورد. اتحادیه اسپارتاکوس در روز اول جنوری سال ۱۹۱۹ در اتحاد با دیگر جریانات انقلابی المان "حزب کمونیست المان" (Kommunistische Partei Deutschlands) را پایه‌ریزی نمودند. دوران بین پائیز ۱۹۱۸ تا تابستان ۱۹۱۹، که طی آن آتش‌بس اعلام شد و امپراتوری المان سقوط کرد و قرارداد صلح ورسای به امضاء رسید، دورانی سرشار از جنب و جوش و التهاب در المان بود. در خلال این مدت انقلاب نومبر ۱۹۱۸ سرکوب شده، ویلهلم دوم، قیصر المان از مقام خود کناره‌گیری کرده، دو چهره سرشناس انقلابی المان روزا لوکزامبورگ و کارل لیبکنخت کشته شده و جمهوری وایمار به وجود آمد. در خلال تمامی این سال ها کلارا زتکین به فعالیت گسترده خود ادامه می‌داد.

از نوشته‌ای که کلارا زتکین به نام "خاطراتی از لنین" از خود به جای گذاشته است برمی‌آید که کلارا در این سال ها از جمله با هدف بیشتر فعال کردن و سازمان دادن زنان در حرکت‌های کمونیستی کمر در راه سازماندهی هسته‌های مطالعاتی و جلسات دیدار و صحبت کارگران زن بسته است.

در سال ۱۹۲۰ و به هنگام برگزاری انتخابات پارلمانی در جمهوری المان آفیش تبلیغاتی حزب کمونیست المان با این همراه بود: "به لیبکنخت فکر نکنید - به کمونیست ها (اسپارتاکوس) رأی بدهید - لیست زتکین". در همین انتخابات بود که کلارا زتکین به عضویت پارلمان المان برگزیده شد و تا سال ۱۹۳۳ یعنی تا زمانی که هیتلر به قدرت رسیده و حزب کمونیست را از پارلمان المان بیرون کرد، در انتخابات های پیاپی کرسی پارلمانی خود را حفظ کرد.

کلارا زتکین در سال ۱۹۲۱ به عضویت کمیته مرکزی انترناسیونال کمونیستی (کمینترن) برگزیده شد، مقامی که افتخار داشتن آن را تا پایان عمر به همراه داشت. در خلال سال های ۱۹۲۱ و ۱۹۲۵ کلارا زتکین سردبیر نشریه المانی‌زبان کمینترن به نام "انترناسیونال کمونیستی زنان" (Die kommunistische Fraueninterantionale) گردید. امری که باعث شد روابط نزدیکی با رهبران شوروی به خصوص لنین داشته باشد. پس از مرگ لنین در سال ۱۹۲۴ به تدریج وضع فرق کرد اما با وجود این در همین سال ها نیز در موارد بسیار در کنگره‌ها و جلسه های بزرگ رسمی شرکت داشته و مورد ستایش رسمی قرار می‌گرفت.

در سال ۱۹۲۸ کلارا زتکین و فردریک زوندل از هم جدا شدند. در سال ۱۹۳۲ و پس از انتخابات پارلمانی که در کشور صورت گرفته بود کلارا زتکین ۷۴ ساله بار دیگر به عضویت پارلمان المان درآمده و در مقام ریاست سنی مجلس سخنرانی آتشینی ایراد کرد که در آن به اهمیت شایان توجه همکاری بین نیروهای مترقی برای مقاومت در مقابل رشد فاشیسم و مبارزه با نازیسم برجسته بود.

در جنوری ۱۹۳۳، پس از انتخاباتی دیگر و عدم همکاری احزاب غیرنازیست پارلمان، آدولف هیتلر مقام صدارت اعظم المان را به دست آورده و پس از حادثه آتش‌سوزی در پارلمان المان در ۲۷ بروری همان سال، حزب کمونیست المان از پارلمان بیرون انداخته شد. پس از چندی کلارا زتکین ناچار به ترک دیار شده، به اتحاد جماهیر شوروی کوچ کرد. نوشته‌های کلارا زتکین به همراه بسیاری دیگر از نوشته‌هایی که مورد خشم نازیست ها قرار گرفته بودند در کتاب سوزانی که در بهار و تابستان ۱۹۳۳ بر پا شد، طعمه شعله‌های آتش شدند.

کلارا زتکین در روز چهارشنبه ۲۰ جون ۱۹۳۳ (۱۷ مرداد [اسد] ۱۳۱۳) در مسکو فوت کرد و خاکستر جسد او در دیوار کاخ کرملین به خاک سپرده شد.

۵ مارچ ۲۰۱۶